روزنه

فرمانده جدید پادگان منظریه قم معرفی شد

● **ایلنا- قم:** در مراسمی با حضور فرمانده مهمات آماد و پشتیبانی نیروی زمینی ارتش، مهران زرین‌زاده به‌عنوان فرمانده جدید آمادگاه سرلشکر شهید فراشاهی قم (منظریه) معرفی شد.نریمان حسنوند، فرمانده مهمات فرماندهی آماد و پشتیبانی نیروی زمینی ارتش، در مراسم تودیع و معارفه فرمانده آمادگاه شهید فراشاهی(منظریه) گفت: امروز همدلی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بیش از پیش باعث افتخار نظام و سبب رعب در دل دشمنان اسلام است. در پایان، حکم انتصاب مهران زرین‌زاده به‌عنوان فرماندهی جدید آمادگاه شهید فراشاهی قرائت و با اهدای هدایایی از سوی مسئولان عالی‌رتبه حاضر در مراسم، از خدمات ۳۰ساله ناصر رجبی تقدیر شد.

ادامه از صفحه اول

همراهی دولت- ملت

این می‌تواند به‌عنوان یک اولویت از طرف دولت درنظر گرفته شود، اولویتی که حالا پس از دستیابی به نتایج هسته‌ای می‌توان به آن توجه کرد و از آن نتیجه‌های خوب و مثبتی گرفت. از سوی دیگر، مشکلات اقتصادی علاوه بر تأثیری که بر اقشار کم‌درآمد جامعه دارد، باعث شده است سرمایه‌گذاران اقتصادی هم از سرمایه‌گذاری و مشارکت‌ها پا پس بکشند؛ اتفاقی که در تشدید رکود اقتصادی مؤثر بوده است. امروز و پس از رخدادهای اخیر سیاست خارجی، می‌توان شرایطی فراهم کرد تا این گروه‌ها دوباره احیا شوند و به کمک دولت بیایند. رکود اقتصادی در عرصه‌های مختلف و در سال‌های اخیر، آسیب و معضلات اجتماعی را در پی داشته و تأثیرات مخربی بر جای می‌گذارد. بهتر است مسئولان کشور در این زمینه فعالانه‌تر برخورد کنند و برای تقویت روحیه همدلی و همراهی مردم تصمیمات مؤثری بگیرند، تصمیماتی که فقط با بیان و طرح آنها نمی‌توان انتظار به‌نتیجه‌رسیدن آنها را داشت بلکه برای به‌نتیجه‌رسیدن آنها، راهبرد علمی موردنیاز است. در کنار امور کلان کشور مواردی نیز وجود دارد که برای رفع آنها می‌توان به تعیین اولویت پرداخت. مواردی که اگرچه کوچک و جزئی به‌نظر می‌رسند اما تأثیرات بزرگ و بلندمدتی بر جامعه می‌گذارند. وقت آن رسیده است که از طریق ابزارهای اجتماعی که در کشور وجود دارد، تمهیداتی اندیشید. گام نخست، شناسایی و احیای دوباره این ابزارهاست. به هر حال بی‌تفاوتی و بی‌انگیزگی اجتماعی نتیجه خوشایندی در پی ندارد و به جای چشم‌پوشی از آن، توجه دقیق و درست و بالازدن آستین همت ما رهگشاست. بی‌تحرکی جامعه هیچ‌گاه فرجام خوشایندی نداشته است و تنها نتیجه واقعی و ثابت‌شده آن، تنهاماندن دولت است. با تقویت انگیزه مردم و ایجاد آشتی ملی می‌توان این معضلات را کاهش داد. دولت زمانی قدرتمند خواهد شد که کنار ملت قرار بگیرد و دوشادوش هم در حل معضلات اجتماعی گام بردارند.

برنامه‌ریزی استراتژیک نفت در شرایط تحریم

...مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری برای توسعه صنعت نفت نظیر طرح فراگیر سیراف برای پالایش میعانات گازی، همکاری با دانشگاه‌ها برای مطالعه میادین مختلف نفت و گاز و ساماندهی نیروی انسانی و تربیت مدیران همگی از مصادیق اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بوده‌اند.

اهداف کلان صنعت نفت برای برنامه ششم توسعه با رویکرد اقتصاد مقاومتی تدوین شده‌اند و چهار موضوع افزایش تولید در راستای ایجاد ثروت مولد، تأمین امنیت عرضه داخلی انرژی، بهره‌گیری بهینه از منابع برای تبدیل‌شدن کشور به بازیگری کلیدی در بازارهای جهانی و ارتقای صنعت نفت به صنعتی سرآمد و روزآمد با تکیه بر توانمندی‌های داخلی به عنوان جهت‌گیری آینده صنعت نفت تدوین شده‌اند.

همچنین در راستای مصوبات ستاد تدابیر ویژه اقتصادی برای اجرای طرح‌ها و برنامه‌های صنعت نفت در شرایط سخت تحریم، سیاست‌هایی همچون تسهیل انتقال وجوه، واردات کالاهای مورد نیاز صنعت و صادرات نفت و فراورده‌های نفتی اتخاذ و اجرا شد. این سیاست‌ها تا حد زیادی موانع و محدودیت‌های ناشی از اعمال تحریم‌ها را در صنعت نفت مرتفع کرده‌اند و زمینه پویایی و تحرک این صنعت را موجب شده‌اند. با این تفاسیر به نظر می‌رسد صنعت نفت در آستانه لغو تحریم‌ها، آماده ورود قدرتمندانه به دوران پساتحریم است.

حضور موافقان و مخالفان توافق هسته‌ای در نیویورک، عکس: Gettyimages

لابی‌ها در آمریکا و تقویت منافع ملی ایران

ادامه از صفحه اول

البته همه کشورهای مهم مانند ایران نیز بر دیگر کشورها نظیر آمریکا تأثیر می‌گذارند؛ بنابراین باید آمریکا را با همه نقاط قوت و ضعفش به‌عنوان یک واقعیت قبول و سعی کنیم از این نقاط برای تقویت منافع و امنیت ملی خودمان استفاده کنیم.

گام دوم

ساختار سیاسی آمریکا به‌طور قانونی اجازه می‌دهد که به نظرات و تفکرات در قالب گروهی در نظام سیاسی این کشور توجه شود و این آرا جایگاه مهمی در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند و از همین نکته استفاده می‌شود و جایگاه لابی‌ها در نظام سیاسی آمریکا تعریف می‌شود؛ مفهومی که قبل از انقلاب و نیز بعد از انقلاب، همواره از آن نفرت داشته‌ایم و به‌همین‌دلیل از آن غفلت کرده‌ایم. چه ما بپسندیم و چه نپسندیم، لابی‌ها در آمریکا وجود دارند و بر تصمیم‌گیری‌های دولتمردان اثرگذارند. اگر ۳۷ سال گذشته را از دست داده‌ایم، سعی کنیم با این پدیده آشنا شویم و آن را برای حال و آینده به خدمت بگیریم. به‌هرحال، اکنون به‌عنوان یک دولت حاکم باید با این ابزارها کار کنیم. از این مقدمه که بگذریم، لابی‌ها در آمریکا به شیوه‌های مختلفی شکل می‌گیرند؛ خودِ نگاه درست یا غلط افکار عمومی، یک لابی قوی و اثرگذار بر تصمیم‌گیران است. در آمریکا پایه اصلی تأثیرگذاری بر نظرات مردم و سپس تصمیم‌گیران، رسانه‌ها هستند. هرکس در آمریکا بتواند بر رسانه‌ها احاطه یا تسلط پیدا کند، می‌تواند بر افکار عمومی هم احاطه پیدا کند و سیاست‌های دلخواه خود را از دهان افکار عمومی به خورد نظام سیاسی آمریکا بدهد. در آخرین مورد مشاهده شد که آقای اوباما برای مقابله با مخالفت نمایندگان مجلس و سنا با توافق هسته‌ای، از طریق رسانه‌ها دست به دامان مردم و نهادهای اجتماعی شد و از آنان خواست فورا با نمایندگان ایالت خود تلفنی تماس بگیرند و از آنان بخواهند به توافق هسته‌ای رأی مثبت دهند. در آمریکا اقشار مختلف مردم اعتقاد دارند کار سیاست به‌ویژه سیاست خارجی را به رسانه‌ها سپرده‌اند تا از جانب آنان عمل کنند، در آخرین دقایق به مردم بگویند حقیقت چیست و باید به چه چیزی رأی دهند؛ بنابراین صاحبان قدرت سعی می‌کنند تا حدودی بر رسانه‌ها تأثیرگذار باشند تا رسانه‌ها سیاست‌های دلخواه آنها را تبلیغ کنند؛ البته تصور نشود رسانه‌ها در آمریکا به این سادگی زیر بار نظر صاحبان قدرت می‌روند؛ رسانه‌ها برای خود شخصیت مستقل دارند و تأثیرگذاری بر آنها فوت‌وفن زیادی می‌طلبد که در برخی موارد می‌تواند نتیجه عکس دهد. داستان واترگیت در دوره نیکسون و بسیاری از اسراری که در نظام سیاسی آمریکا افشا شده، توسط رسانه‌ها صورت گرفته است؛ ازهمین‌رو رسانه‌های آمریکا به‌سادگی مقابل صاحبان قدرت سر تعظیم فرود نمی‌آورند، اما در قبال حقایق و وقایع موضع‌گیری می‌کنند و می‌توان آنها را متأثر کرد؛ برای مثال بسیاری از رسانه‌های آمریکا به عملکرد اسرائیل در قبال فلسطینی‌ها معترض هستند و اعمال وحشیانه اسرائیل را منعکس می‌کنند، ولی توسط مراجع دیگر قیچی می‌شوند.

گام سوم

بعد از افکار عمومی و رسانه‌ها نوبت به نهادهای مدنی و اجتماعی می‌رسد که قادرند بر افکار عمومی و سیاست‌مداران مؤثر باشند؛ برای مثال مردم آمریکا به واکنش خیریه‌ها، عفو بین‌الملل (انگلیسی)، دیده‌بان حقوق بشر (آمریکایی) و بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای مشابه حساس هستند. بخش عمده‌ای از مخالفت مردم آمریکا با زندان گوانتانامو از مخالفت‌های عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر متأثر شد. نهادهای مدنی که اوضاع افغانستان و عراق را راحت‌تر از رسانه‌ها می‌توانستند منعکس کنند، توانستند نظر غالبی در آمریکا علیه اقدامات نظامی این کشور در افغانستان و عراق به‌وجود آورند. دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی آمریکا از دیگر لابی‌های این کشور هستند که در برخی از زمینه‌ها نظیر زمینه‌های بهداشتی برای مردم مرجع‌اند و در زمینه‌های سیاسی و به‌ویژه سیاست خارجی برای نخبگان و تحصیل‌کرده‌ها شاخص هستند؛ برای مثال اگر یکی از دانشگاه‌های معتبر آمریکا درباره ابولا در آفریقا گزارشی تحقیقی فراهم و به مردم توصیه‌ای کند، مردم آمریکا عموما موبه‌مو آن را اجرا می‌کنند. اگر همین دانشگاه‌ها درباره روابط آمریکا و روسیه یا آمریکا و ایران تحقیق و آن را منتشر کنند، تحصیل‌کرده‌ها به آن توجه خواهند کرد و آن را به نظام سیاسی آمریکا تزریق می‌کنند؛ البته دانشگاه‌ها هم مقید به تحقیقاتی بی‌طرف و براساس اصول کارشناسی هستند.

گام چهارم

پس از این دست موارد، لابی‌ها اختصاصی می‌شوند و بستگی دارد چقدر بر نظام سیاسی آمریکا تأثیرگذار باشند؛ اگرچه مراکز تحقیقاتی از سوی افراد و نهادهای خصوصی بنا شده‌اند، ولی به‌تدریج در صحنه سیاسی آمریکا جایگاه خود را پیدا کرده‌اند. مهم‌ترین این مراکز آنهایی هستند که از مقامات سابق و متخصصان و تحلیلگران باسابقه آمریکا، نظیر کیسینجر و برژنسکی تشکیل شده‌اند. دو مرکز مهم سیاست خارجی در آمریکا که هر دو شورای روابط خارجی آمریکا نامیده می‌شوند (Foreign Policy Council & Council on Foreign Relations)، معتبرترین اتاق‌های فکر در زمینه سیاست خارجی هستند که عموما مقامات خارجی در هر سطحی، اعم از رئیس‌جمهور تا وزیر امور خارجه، برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا در این دو شورا سخنرانی می‌کنند و به سؤالات مطرح‌شده پاسخ می‌دهند. مرکز دیگری در زمینه سیاست خارجی آمریکا در آسیاست که اگرچه نوپاست، ولی به‌تدریج جایگاه پیدا کرده است. برخی از مراکز خصوصی‌تر هستند که مقامات سابق آمریکا آنها را بنا نهاده‌اند؛ نظیر ریگان، بوش، نیکسون، فورد و...؛ ولی با بودجه‌ای که از بنیان‌گذار خود دارند، بسیاری از متخصصان و کارشناسان آمریکایی و خارجی را برای تحقیق و بررسی روی موضوعات مورد علاقه استخدام می‌کنند. با پیشرفت تکنولوژی اطلاعاتی و بازشدن شبکه‌های اجتماعی، این شبکه‌ها تأثیرهای شگرفی بر افکار عمومی آمریکا و جهان گذاشته‌اند و خود تبدیل به اتاق‌های فکر نوینی شده‌اند و علاوه بر نخبگان، مردم عادی را هم به اظهارنظر واداشته‌اند. در میان نخبگان و متخصصان، شبکه‌های سیاسی- اجتماعی فراوانی در آمریکا رایج‌اند که در صورت ورود به آنها می‌توان با طرح بحث‌ها و نظریاتی بر افکار مشترکان شبکه اثر گذاشت. برخی از این شبکه‌ها مستقیما با تصمیم‌گیران حاضر و سابق در ارتباط هستند که یقینا میزان تأثیرگذاری آنها به حوزه اجرا منتهی می‌شود. Gulf 2000، در عرض دو دهه‌ای که تأسیس شده، توانسته است بیش از ۳۰ هزار نفر از متخصصان آمریکایی و خارجی و تصمیم‌گیران سابق و حاضر آمریکا را در خود جای دهد و به یک اتاق فکر و لابی مؤثر در صحنه سیاست خارجی آمریکا تبدیل شود. اسرائیل تنها لابی‌ای است که با استفاده از یهودیان آمریکا اقدام به تأسیس مراکز تحقیقاتی در آمریکا کرده است و این مراکز نظیر بقیه مراکز تحقیقاتی به کار مطالعاتی مشغول هستند؛ ولی موضوعات مورد علاقه و مواضع این دست مراکز کاملا اسرائیلی است. بی‌دلیل نیست که اسرائیل بیشترین تأثیر را بر سیاست خارجی آمریکا دارد؛ چراکه اکنون در جامعه سیاسی آمریکا لابی‌هایی که با پول قدرت‌ها و کشورهای خارجی تأمین می‌شوند، می‌توانند رابطه ارگانیکی با مراکز تصمیم‌گیری آمریکا برقرار کنند و این در تطابق با قانون آمریکاست. مهم‌ترین، قوی‌ترین و با نفوذترین لابی از نظر سیاست خارجی در آمریکا، لابی ایپک (AIPAC) است که از یهودیان آمریکا و اسرائیل تشکیل شده است و هر دو به این لابی پول تزریق می‌کنند. ما با سازمان‌یافته‌ترین مخالفت با اهداف جمهوری اسلامی ایران و مخالفت با نزدیکی آمریکا به ایران روبه‌رو هستیم.

جز رژیم اسرائیل و یهودیان آمریکا، بقیه کشورها، مذاهب و گروه‌های سیاسی- اجتماعی بین‌المللی هم در آمریکا نفوذ و لابی دارند؛ سازمان منافقین با توجه به لابی‌سازی در آمریکا، در عرض ۳۵ سال از یک چهره منفور و تروریستی به یک اپوزیسیون ایرانی و مورد اعتماد مراکز تصمیم‌گیری آمریکا نظیر مجلس نمایندگان و سنا، تبدیل شده است. این سازمان با هزینه‌کردن پول‌هایی که از مخالفان ایران، نظیر اسرائیل و عربستان، به‌دست می‌آورد، توانسته است حمایت برخی از نمایندگان مجالس آمریکا را به‌طور ثابت جلب کند و آنان را در لابی خود قرار دهد. سلطنت‌طلبان و باقی‌مانده‌های رژیم شاه نیز لابی دیگری هستند که با اقدامات تخریبی خود، تلاش دارند از نزدیکی آمریکا به ایران جلوگیری و آمریکا را تشویق به حمله نظامی به ایران کنند.

رژیم اسرائیل بیش از ۷۰ سال است از خاصیت لابی‌ها استفاده می‌کند و به ستمگری و ظلم و جور علیه فلسطینی‌ها ادامه می‌دهد و می‌تواند با نفوذ در آمریکا از حمایت این کشور در مجامع بین‌المللی برخوردار شود. علاوه بر اسرائیل، دیگر کشورهای اعراب، ترکیه، چین، هند، ایرلند، لهستان، کشورهای آمریکای لاتین، ارمنستان، ایتالیا و شاید بقیه کشورها نیز لابی قوی در آمریکا دارند و امورات خود را به‌این‌وسیله تسهیل می‌کنند. تنها کشور مهمی که در آمریکا لابی ندارد، ایران است که قبل از انقلاب لابی پرنفوذ و قوی‌ای در سیستم سیاسی آمریکا داشته است. امروز ما قادر نیستیم توافق وین را از کریدورهای پرپیچ‌وخم ساختار سیاسی آمریکا عبور دهیم و نه‌فقط ما، بلکه دولت آمریکا هم به علت وجود چهره شدیدا منفی‌ای که لابی‌های مخالف ما از ایران در آن کشور ساخته‌اند، قادر نیست با همه توانمندی خود این توافق را به تأیید کنگره آمریکا برساند.

توجه مهم

به‌هرحال امروز هم برای پیشبرد توافق هسته‌ای و سایر موضوعات مورد علاقه ما، باید به آهستگی دست به ایجاد یک لابی قدرتمند در آمریکا، به‌نفع منافع و امنیت ملی کشورمان، زد. در طول ۳۷ سال گذشته، اگرچه ایرانی‌های مقیم آمریکا به ابتکار خود سعی کرده‌اند چنین لابی‌ای را به وجود آورند، ولی بی‌اعتمادی و حتی شک و ظن در ایران نسبت به آنان باعث شده است نه موفق شوند و نه قادر باشند از خود در مقابل مخالفان جمهوری اسلامی ایران دفاع کنند. متأسفانه باید گفت بدترین وضعیت سیاسی در آمریکا را ایران پیدا کرده است به‌طوری که در شرایط فقدان یک لابی قوی و همچنین فقدان روابط دیپلماتیک، موضوع ایران تبدیل به‌کارت بازی‌ای شده است که هرکس تندروی بیشتری در برابر ایران داشته باشد و خصمانه‌تر نسبت به ایران موضع بگیرد، می‌تواند صحنه سیاسی در آمریکا را به نفع خود تغییر دهد. این مشکل آن‌چنان به شکلی افراطی جلو رفته که موجب نگرانی متخصصان آمریکایی و حتی دولت آمریکا شده است؛ بنابراین دولت آمریکا آستین بالا زده است و از همه ارگان‌های معتدل در این کشور می‌خواهد نسبت به ایران قدری بهتر فضاسازی کنند. ایران در این تنگی وقت و در کوتاه‌مدت باید از ایرانی‌ها و آمریکایی‌های طرفدار خود و به‌ویژه از اتاق فکرهای متعادل برای تأثیرگذاری بر سیاست‌سازان آمریکا حداکثر استفاده را بکند تا راه برای اقدامات درازمدت باز شود.

ادامه از صفحه اول

خبرهای امیدبخش

باغدارانی که پس از یک سال انتظار و در آب‌وهوایی تفتیده در انتظار گشایش معیشت خود بودند. امیدواریم که با سامان‌دهی این میزان خرما شرایطی فراهم شود تا مبادا تولیدکنندگانی که در این محدوده شهد و شیرینی تولید می‌کنند، کامشان تلخ شود. اکنون که سایه تلخ تحریم‌ها قرار است برداشته شود پیشنهاد می‌شود صادرات این میزان خرما حتی با بهایی کمتر از قیمت جهانی برنامه‌ریزی شده و مابه‌التفاوت آن را دولت به باغداران بپردازد.

منهای پایتخت

امام‌جمعه کرمان:

انتقاد غیر از تخریب است

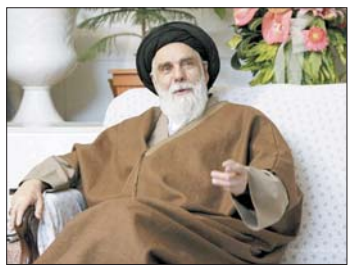

● **ایرنا- کرمان:** آیت‌الله سیدیحیی جعفری، نماینده ولی‌فقیه در استان و امام‌جمعه کرمان گفت: نقد منصفانه غیر از اهانت و توهین به مسئولان است و بارها در همایش‌ها به ائمه جمعه و مسئولان تذکر داده و گفته‌ام که انتقاد غیر از تخریب است. او افزود: ضمن اینکه از دولت و دولتمردان تجلیل می‌شود باید انتقاد سازنده هم صورت گیرد و اگر انتقاد نباشد دچار غرور و تکبر می‌شویم. آیت‌الله جعفری افزود: کاری به خط‌ها و جریان‌های سیاسی ندارم و معیار من عمل درست و صحیح است و اگر دولتی اصولگرا شد ولی بد عمل کرد، بنده انتقاد می‌کنم به‌گونه‌ای که البته تضعیف دولت نباشد.

فرماندار ماکو:

هیچ خطری امنیت مرز بازرگان را تهدید نمی‌کند
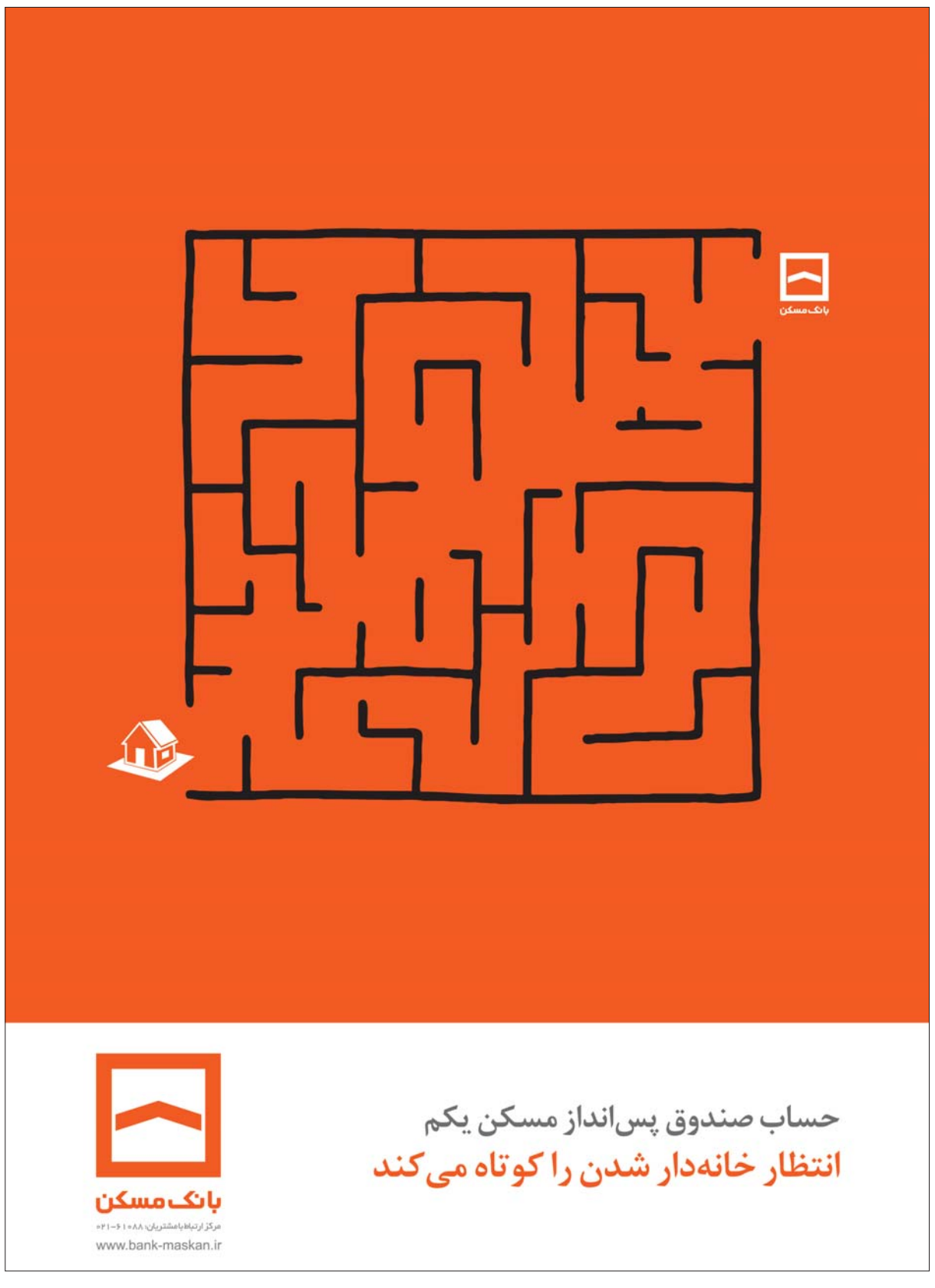
● **تسنیم- ماکو:** شاهین علیزاده، فرماندار ماکو، از نشر اخبار نادرست درباره بسته‌شدن مرز بازرگان به علت نبود امنیت، انتقاد کرد. او گفت: مرز بازرگان به‌عنوان بزرگ‌ترین و امن‌ترین مرز زمینی کشور مورد توجه تجار و گردشگران داخلی و خارجی است و انتشار اخبار ناصحیح در مورد عدم امنیت در مرز بازرگان، صدمات و خسارات کلانی را به وجهه مثبت این مرز و منطقه از کشورمان وارد می‌کند که نیاز است برخی رسانه‌ها قبل از انتشار این‌گونه اخبار ابتدا به کسب اطمینان از صحت آن بپردازند. او ادامه داد: منطقه آزاد ماکو و مرز بازرگان به‌عنوان شاه‌کلید توسعه استان آذربایجان‌غربی قلمداد می‌شود بنابراین در هیچ شرایطی اجازه بسته‌شدن مرز بازرگان را نخواهیم داد.